تأثیر پدیده کرونا بر سبک زندگی

ادامه از صفحه اول

■ **بعد فرهنگی**

تغییرات ناشی از همه‌گیری کرونا را از منظر فرهنگی در جامعه می‌توان چنین برشمرد:

گذار از فردگرایی به جمع‌گرایی
گذار از ترس فردی به ترس جمعی
گذار از دغدغه فردی به دغدغه جمعی
گذار از غرور قدرت به ضعف و ناتوانی (بی‌قدرتی)
گذار از نگرش مادی‌گرایانه به نگرش معنویت‌گرایانه
گذار از فراموشی مرگ و قیامت به نزدیکی به مرگ و قیامت
گذار از جاه‌طلبی افراطی به حقارت
گذار از احساس امنیت به احساس ناامنی

■ **سبک زندگی**

از جمله تغییرات قابل مشاهده در سبک زندگی جامعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خوراک: احیای آشپزی و پخت غذا و خوراک سنتی در منازل به معنای احیای سفره‌های خانوادگی است که سبب حذف هزینه‌های غیرضروری مانند رفتن به رستوران و... و قناعت و صرفه‌جویی در الگوی مصرف جامعه شده است. البته احیای سفره در خانه به معنای احیای ارتباط، تعامل و محفل گردهم آمدن اعضای خانواده نیز است.

گفت‌وگو: مطالعات سال‌های اخیر نشان می‌دهد، گفت‌وگو و تعامل کلامی در میان اعضای خانواده‌های ایرانی بسیار کاهش یافته است که برای آن دلایل و عوامل بسیاری مطرح است. اما همه‌گیری کرونا و خانه‌نشینی افراد، سبب افزایش گفت‌وگو، تعامل و مدارا در خانواده‌ها شد. بنابراین از این منظر شاهد بازگشت ارزش‌های سنتی به خانواده ایرانی هستیم. البته برخی از افزایش مناقشات خانواده در این دوره سخن می‌گویند، اما مطالعات و پژوهش‌های انجام‌گرفته، این حوزه را پیش از شیوع کرونا نیز پرمناقشه می‌دانست و نمی‌توان این امر را از پیامدهای کرونا در جامعه برشمرد. چنانکه مناقشه خانواده ایرانی از عوارض مدرن شدن و تغییر ارزش‌های نسل جدید و شکاف میان نسل‌هاست.

ترافیک: مفهوم ترافیک صرفاً انباشت خودروها نیست، بلکه فرهنگ رانندگی و فرهنگ مصرف سوخت را نیز شامل می‌شود. کاهش استفاده از خودرو در دو ماه گذشته نشان داد که با تغییر سبک استفاده از سوخت، خودرو، انرژی و ترافیک، می‌توان زندگی راحت‌تری داشت. در حقیقت کرونا درس تغییر سبک ترافیک را داده است. مصرف سوخت در این ایام به یک سوم رسید که به معنای کاهش حضور خودرو در سبک زندگی افراد جامعه است.

اوقات فراغت: شیوه گذران اوقات فراغت در خانواده دستخوش تغییر شده است. افراد زمان بیشتری را برای فراغت در اختیار دارند و سعی در گذران آن به بهترین شیوه دارند (مانند تماشای فیلم، مطالعه کتاب، شبکه‌های اجتماعی و...). می‌توان گفت که با تعطیلی مراکز فرهنگی و تفریحی، سبک‌های جدیدی در شیوه گذران اوقات فراغت مطرح شده است. از جمله آن می‌توان به انواع آموزش‌ها در منزل و با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

سبک زندگی جدید در بستر فضای مجازی: آنچه بیش از پیش در این دو ماه اخیر چهره خود را نمایان کرد، زندگی جدید و شیوه‌های زیست اجتماعی نوین در بستر شبکه‌ها و فضای مجازی است. امروز جامعه فضای مجازی را در جای جای زندگی خود درک و احساس می‌کند که این خود را در صله رحم، گفت‌وگوها، مراسم ترحیم، اقتصاد، نشست‌ها و... نشان می‌دهد.

آشتی با کتاب و مطالعه: بعد از کرونا با افزایش سطح دانش، آگاهی، فضیلت و معرفت اجتماعی مواجه می‌شویم که دلیل آن را می‌توان آشتی با کتاب بیان کرد. میزان مطالعه، میزان آگاهی و در نتیجه آن، میزان معرفت را افزایش می‌دهد.

■ **بعد اقتصادی**

متأسفانه آثار و پیامدهای شیوع و همه‌گیری کرونا در بعد اقتصادی منفی بوده است و این برای تمامی کشورهای دنیا اجتناب‌ناپذیر است. هر چند که ایران به‌دلیل تحریم‌ها و دلایل دیگر از جمله کاهش بهای نفت و... تأثیرات منفی بیشتری را تجربه می‌کند. البته لازم به ذکر است که با وجود تبعات منفی که ذکر می‌شود، شاهد افزایش سطح همدلی و همنوایی اقتصادی در جامعه هستیم که خود را در قالب گسترش فعالیت نهادهای خیریه، کمک مالی و جنسی به طبقه فرودست، بخشش اجاره بها، سازش مالکان با مستأجران و... نشان می‌دهد. این نتیجه ایجاد مدارا و تعامل و همدلی، مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی بیشتر در جامعه خواهد شد.

- برجسته شدن پدیده شوم فقر: فشار سنگین بر طبقات فرودست و فقیرتر شدن فقرا از پیامدهای شوم همه‌گیری کروناست. چنانکه بر اساس پیمایش‌های صورت‌گرفته نیمی از جامعه دستخوش تبعات منفی اقتصادی حاصل از همه‌گیری کرونا شده‌اند.

- برجسته شدن پدیده شوم بیکاری: تحلیل اقتصاددانان این است که حدود ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر شغل خود را از دست داده‌اند و بیکار شده‌اند. با ماندگاری کرونا در جامعه و ادامه روند تعطیلی کسب‌وکارها و بنگاه‌ها در بخش‌های مختلف فرهنگی، ورزشی و...، بیکاری و تبعات حاصل از آن چهره شوم خود را بیش از پیش نمایان خواهد ساخت. روشن است که این برای جامعه تبعات خطرناکی در پی خواهد داشت که تأثیر آن از همه‌گیری کرونا هم عمیق‌تر خواهد بود. محصول دو پیامد بیکاری و فقر، لاغر شدن و تضعیف سفره‌های مردم است. این پیامدی است که در تمامی کشورهای جهان بخوبی احساس می‌شود و دولت‌ها در پی راه حلی برای اعطای کمک‌های مالی، وام و بیمه برای اقشار آسیب‌دیده هستند.

■ **بعد فقهی و مذهبی**

از دیگر ابعاد ناشی از همه‌گیری کرونا، تغییر در نگاه فقهی به پدیده‌های نوین بشری است. عدم برگزاری نماز جمعه، تعطیلی حرم‌های مطهر، حوزه‌های علمیه، مساجد و مناسک و مراسم جمعی مذهبی، نشان داد اموری که ناممکن تلقی می‌شد، به امور ممکن تبدیل شده است. به‌نظر می‌رسد که این مسأله در آینده منشأ تغییر و تحول و بازاندیشی در خصوص پدیده‌های جدید می‌شود.

■ **قدرت و سیاست**

نکته بعدی افول قدرت نرم به مفهوم علم، دانش و فناوری در نظام جهانی از جمله ایران است. تأکید بسیار بشر بر این مفهوم و تکیه بیش از حد بر آن در تمامی امور سبب ایجاد غرور کاذب شده بود به نحوی که تمام قضاوت‌ها را بر مبنای نگاه علم می‌دانست و حاضر نبود گردی بر دامن دنیای علم و تحولات و فناوری بنشیند. اما امروز با استیصال و ناتوانی کشورهای جهان بویژه امریکا و کشورهای اروپایی در مواجهه با یک ویروس، ناتوانی علم بشر به اثبات رسید. امروز بیش از پیش اذعان باید کرد که هنوز دانش بشری در ابتدای راه است، بنابراین اسطوره و سیطره قدرت علمی و فناوری شکسته شد. علاوه بر این، تغییر مفهوم قدرت در جهان امروز قابل توجه است. دیگر برای بشر بمب اتمی و موشک تهدید نیست، بلکه تهدید امروز ویروسی ناشناس است. این به معنای افول اعتماد نظام‌های جدید به قدرت نرم است.

■ **آموزش**

از منظر آموزشی می‌توان گفت که نظام آموزش جدیدی در ایران در حال شکل‌گیری است و البته در مرحله جنینی است و هنوز شکل نگرفته است. پیش از این، اعتقاد بر این بود که آموزش به معنای مطلق آموزش رودررو و حضوری است، چنانکه آموزش سنتی و حوزوی نیز بر مبنای مباحثه حضوری و رخ به رخ است. اما امروز نظام جدیدی در فرآیند آموزش و انتقال اطلاعات درحال شکل‌گیری است. این بسیار حائز اهمیت است که نظام آموزشی چه در سطح آموزش و پرورش و چه در سطح آموزش عالی و تک تک استادان و معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان باید خود را با فضای جدید و اقتضائات روز تطبیق دهند.

■ **محیط‌زیست**

بشر در مسیر توسعه خویش متأسفانه آسیب‌های فراوانی به منابع طبیعی و محیط زیست وارد کرده است که بسیاری از آنها جبران‌ناپذیر است. خانه‌نشینی مردمان کره زمین و ایجاد محدودیت در فعالیت‌های روزمره انسان، سبب ایجاد فرصتی برای تنفس محیط زیست شده است. احیای گونه‌های حیوانی و گیاهی، آلودگی کمتر محیط زیست نمونه‌های بارز تأثیر مثبت این پدیده بر محیط زیست و سایر جانداران است.

■ **جمع‌بندی**

در مقام جمع‌بندی باید گفت که کرونا در حقیقت پدیده واقعی جهانی‌شدن است. اما باید در نظر داشت که تهدیدات و فرصت‌های جهانی را باید باهم ببینیم. آنچه مسلم است زیست در جهان و فضای پس از کرونا، بازاندیشی در نظام زیستی و فکری را ایجاب می‌کند. از این منظر باید این را فرصتی برای ایجاد تحولات بزرگ در زندگی آینده به شمار آورد.

کرونا هجوم امر واقع و به نوعی سیلی بر صورت جهان مغرور است. در عین حال می‌تواند عامل همبستگی اجتماعی و همدلی، همدردی، همکاری، اخلاقی‌شدن و عقلانی‌شدن شود. کرونا برای بشر امروز این پیام را دارد که راهی جز تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز با همنوع خود و محیط زیست ندارد. بنابراین کرونا در کنار تمام پیامدهای منفی، می‌تواند صلح و وحدت جهانی را تقویت کند و سرآغازی باشد بر سبک زندگی مسالمت‌آمیز و فضیلت‌مدار.

دورنما

گاردین (بریتانیا):

در حالی که شمار قربانیان کرونا در بخش‌های درمانی انگلیس به ۱۳۴نفر رسیده، دولت انگلیس تصمیم گرفته به پاس تلاش‌های آنان برای سلامتی جان دیگر انسان‌ها، با در نظر گرفتن ۶۰ هزار پوند برای خانواده آنان، بخشی از زحمات این فداکاران را جبران کند.

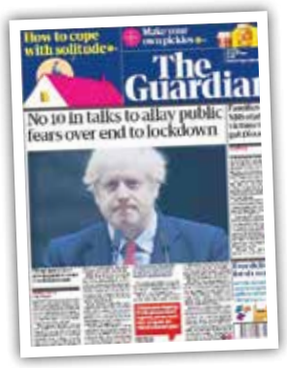

نیویورک دیلی‌نیوز (امریکا):

در شرایط قرنطینه‌ای نیویورک، متروبی‌مسافر این شهر تبدیل به خوابگاهی برای بی‌خانمان‌ها شده بود. اکنون در حالی که انتظار می‌رود، بزودی زندگی به روال عادی خود بازگردد، این نگرانی وجود دارد که واگن‌های متروها آلوده شده و باعث موج جدید بیماری شوند.

گلف نیوز (امارات):

با کاسته شدن از میزان شیوع ویروس کرونا در اروپا درهای کارخانه‌ها در حال بازگشایی هستند و مراکز خرید و رستوران‌ها بتدریج در حال باز کردن درهای خود به روی مشتریان هستند. با این حال دولت‌ها هنوز نگران آینده و اقتصاد نابسامان هستند.

ترامپ از چین به‌خاطر همه‌گیری کووید۱۹ غرامت می‌خواهد

استراتژی فرار به جلو

ندا آکیش
خبرنگار

رئیس‌جمهوری ایالات متحده امریکا در روزهای اخیر به‌خاطر تجویزهای غیرعلمی خود برای درمان کووید۱۹ بشدت مورد تمسخر قرار گرفته و کاخ سفید از او خواسته دیگر هر روز با رسانه‌ها گفت‌وگو نکند تا مبادا گاف جدیدی بدهد. وی روز دوشنبه با اعلام این موضوع که قصد دارد از چین به‌خاطر همه‌گیری ویروس کرونا در ایالات متحده غرامت بگیرد، با آغاز دور تازه حملات لفظی به چین تلاش کرد، باب تازه‌ای برای تبلیغات انتخاباتی خود در سال انتخابات ریاست جمهوری امریکا بگشاید.

به‌گزارش گاردین، پس از آنکه آمار مرگ و میرها بر اثر کرونا در ایالات متحده امریکا از رقم ۵۰ هزار نفر گذشت و بیکاری در این کشور به‌رقم تاریخی بالای ۲۶.۵ میلیون نفر رسید، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا تمام محاسبات خود بر مبنای عملکرد اقتصادی موفقش برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ را نقش بر آب دید و متوجه شد، دیگر نمی‌تواند با این حجم از بیکاری با شعارهای اقتصادی به پیروزی برسد. از این رو، نه تنها دور تازه حملات لفظی به چین به‌خاطر همه‌گیری کووید۱۹ را از روز دوشنبه آغاز کرد بلکه ادعا کرد، چین باید به امریکا بابت این همه‌گیری غرامت بپردازد. ترامپ با بیان این مطلب که «راه‌های بسیار زیادی وجود دارد که می‌توان آنها [چینی‌ها] را مسئول [همه گیری] دانست»، گفت: ما از چین راضی نیستیم و معتقدیم چین باید ویروس را در همان مبدأ متوقف می‌کرد و نمی‌گذاشت تمام جهان را بگیرد. رئیس جمهوری امریکا با استناد به سرمقاله یک روزنامه آلمانی که در آن موضوع پرداخت غرامت به آلمان از سوی چین مطرح شده بود، گفت: «آلمان به‌دنبال این چیزها است؛ ما هم به‌دنبال این چیزها هستیم. ما حتی غرامت بسیار بیشتری می‌خواهیم. هنوز درباره مبلغ غرامت به تصمیم نهایی نرسیده‌ام.»

به عقیده بسیاری از تحلیلگران، حملات لفظی جدید ترامپ علیه چین و ادعای غرامت در واقع یک تاکتیک و استراتژی انتخاباتی جدید است که اتفاقاً طراح آن تنها شخص ترامپ نیست بلکه کمیته حزب جمهوریخواه است. کمیته حزب جمهوریخواه بخوبی از ناکامی‌های ترامپ در رویارویی با همه‌گیری ویروس کرونا آگاه است و در روزهای اخیر دستورالعملی منتشر و در آن از تمام اعضای حزب اعم از نماینده، سناتور، فرماندار و کاندیدای ریاست جمهوری (ترامپ) خواست، در گفت‌وگو با رسانه‌ها یا در سخنرانی‌ها از عملکرد ترامپ دفاع نکنند و در عوض تا حد امکان، به چین حمله کنند و همه تقصیرها را به گردن دولت پکن بیندازند. به‌گزارش نیویورک تایمز، استراتژی حزب جمهوریخواه و شخص ترامپ برای بالا بردن شانس پیروزی‌شان در انتخابات ۲۰۲۰ این روزها آنقدر آشکار است که سناتورهایی مانند تام کوتون و جاش هاولی بر سر این موضوع که کدام‌شان تندتر به چین حمله لفظی می‌کند، با هم رقابت می‌کنند.

کریس لاسیویتا، استراتژیست باتجربه حزب جمهوریخواه درباره این استراتژی حزب می‌گوید: هرزمان که یک لولو (مایه ترس و وحشت) وجود داشته، ترامپ توانسته با موفقیت از آن استفاده کند و حالا چین یک لولوی عالی است. اما برای موفقیت حزب جمهوریخواه در استفاده از این استراتژی یک مانع احتمالی وجود دارد و آن مانع شخص ترامپ است. اشتیاق ترامپ به ادامه دادن به مذاکرات تجاری با چین، تشنگی او به حفظ روابط با شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین و اتکای امریکا به کارخانه‌های چینی تولیدکننده تجهیزات درمانی باعث شده بارها و بارها ترامپ تلاش‌های حزب دموکرات برای انداختن تمام تقصیرهای همه‌گیری کووید ۱۹ به گردن چین را با شکست مواجه کند.

حتی زمانی که ترامپ می‌کوشد با برجسته کردن تصمیم ماه ژانویه خود مبنی بر اعمال محدودیت‌های سفر به چین از انتقادها به عملکرد ضعیف و کندش در پاسخ به همه‌گیری ویروس کرونا بکاهد، افکار عمومی امریکا به خاطر می‌آورند که او بارها شی جین پینگ را دوست خود خطاب کرده و گفته است: روابط ما بر اساس حسن نیت است. ترامپ حتی پس از آنکه به‌صورت تلفنی با رئیس جمهوری چین گفت‌وگو کرد، دیگر عبارت «ویروس چینی» را برای کروناویروس به کار نبرد. در چنین شرایطی سخن گفتن از دریافت غرامت از چین به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا در امریکا و تکرار حملات لفظی به پکن تنها یک ترفند انتخاباتی برای پوشاندن ناکامی‌های ترامپ در مواجهه با یک بحران جدی بهداشتی و درمانی است.

Economist

ماهیگیری افراطی‌ها از آب گل‌آلود کرونا

وصال روحانی
خبرنگار

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، دوشنبه شب به جهانیان هشدار داد مراقب فریب تندروها و سازمان‌های تروریستی باشند. سازمان‌هایی که با سوءاستفاده از شرایط تلخ جهان، بیکاری ناشی از قرنطینه‌ها و بی‌پولی مردم، می‌کوشند جوانان را هر چه بیشتر جذب خویش سازند و اینگونه به آنها القا کنند که در این شرایط ناگوار کرونایی می‌توانند با عضویت در این گروه‌ها درآمدی داشته باشند.

همان‌طور که «کارا آنا»، در تحلیلی در آسوشیتدپرس نوشته است، گروه بشدت تضعیف شده داعش و سازمان تحلیل رفته القاعده معتقدند اگرچه «کووید۱۹» عرصه را بر آنها هم تنگ کرده اما شرایط را برای جذب هر چه بیشتر نیروهای معارضی و جوان به جمع آنها مساعدتر ساخته است. القاعده اخیراً مدعی شده بود، قرنطینه فراگیر در سطح جهان که به قصد رهایی از کرونا اعمال شده است، سبب شده بسیاری از افراد ناراضی و معترض با مطالعه پیرامون قواعدکاری و باورهای ذهنی این سازمان به سوی آن کشیده و برای انجام آنچه آنها در ذهن و در دستور کار خود دارند مهیا شوند. سازمان بین‌المللی «گروه بحران» نیز هشدار داده است، کرونا سبب شده گروه‌های تروریستی شکست خورده و رسواشده روزنه‌های امید تازه‌ای پیدا کنند و یک بار دیگر با تبلیغ ایده‌های ظاهراً ظلم‌ستیزانه خویش مردم را به رویارویی با نظام‌های غربی و شرقی تشویق کنند و به آنها این نکته را تحمیل کنند که اگر به نبرد مسلحانه برنخیزند توسط نظام زورگوی فعلی دنیا تار و مار خواهند شد. در اواخر ماه مارس (اوایل فروردین) گروه‌های نظامی تندرو علیه ارتش کشور آفریقایی چاد به اقدام مسلحانه پرداختند و قریب به ۱۰۰ سرباز را که در نزدیکی مرز نیجریه مستقر بودند، کشتند. در مصر هم تهاجم‌هایی نظامی به پایگاه‌های امریکایی در شمال این کشور گزارش شده که به اعتقاد تحلیلگران غربی کار گروه داعش و وابستگان آنها بوده است. کلیونا رالی مدیر اجرایی سازمان موسوم به «جهت‌یابی برخوردهای نظامی» می‌گوید: «در آفریقا هم که پیشتر اوضاع آرام‌تر بود، شرایط نگران‌کننده شده است. ردگیری‌ها نشان می‌دهد گروه‌های تندرو در حال تدوین نقشه‌های تازه‌ای برای هجوم به نیروهای غربی مستقر در قاره سیاه هستند و اولین وسیله‌ای که کمک کرده آنها به تجدید سازمان بپردازند، تبعات اشاعه کرونا در دنیا است. داعش این گونه تبلیغ می‌کند که جهان به تسخیر مرگ و ابلیس‌ها درآمده است و باید هر چه زودتر بپاخاست و هر نظام غربی را به رگبار بست وگرنه مرگ سرنوشت محتوم هر انسان غیرمرتبط با رژیم‌های غربی است.»

بریتانیایی‌ها که بیش از سایرین نگران امواج تازه‌ای از حملات تروریستی هستند به اعضای خانواده تمامی سربازان انگلیسی مستقر در کشور آفریقایی کنیا دستور داده‌اند هر چه سریع‌تر این کشور را ترک گویند و با اینکه فرانسه از تخلیه نیروهای پنج هزار نفری‌اش در آفریقای غربی خودداری کرده است اما مبتلا شدن حداقل چهار سرباز آنها به کرونا، اوضاع را برای تغییر تصمیم‌های قبلی آنان مهیا کرده و بدیهی است سران داعش این موضوع را شنیده و لوله تفنگ‌های خود را به سمت آنجا گرفته باشند. عجیب است که عفریت مرگ‌آفرین کرونا برای سازمان‌های تروریستی تبدیل به یک عامل حیات‌بخش شده است.

مصائب خواهر «اون» برای جانشینی

زهره صفاری
خبرنگار

درست از زمانی که «کیم جونگ اون» در مراسم ملی کشورش ظاهر نشد و گمانه‌هایی درباره وضعیت سلامت رهبر جوان کره‌شمالی سر زبان‌ها افتاد، «کیم یو جونگ»، خواهر کوچک‌تر او مورد توجه جهانی قرار گرفت. گرچه «مون چانگ این»، مشاور رئیس جمهوری کره‌جنوبی اوایل هفته به «فاکس نیوز» گفته بود که «کیم» زنده و سلامت است اما همچنان این شائبه‌ها مسأله رهبری در کشور هسته‌ای و منزوی کره‌شمالی را پررنگ می‌کند.

در همین ارتباط «مایکل مادن»، کارشناس امریکایی مستقر در پیونگ یانگ به «فایننشال تایمز» می‌گوید: «کیم یو جونگ» ۳۲ ساله محبوب پدرش «کیم یونگ ایل» بود. به طوری که «ایل» همواره هوش او را تحسین می‌کرد و با اینکه پسر نبود اما او را از نوجوانی تحت نظر «کیم کی نام» استاد بزرگ کره‌شمالی برای جانشینی آماده می‌کرد. او تنها دختری در کره‌شمالی بود که استاد بزرگ در حوزه سیاست داشت. خانم «کیم» همواره در جلسات مهم حضور دارد و یکی از عوامل تأثیرگذار در نشست‌های کره شمالی با «شی جین پینگ»، رهبر چین به‌شمار می‌رود.

گرچه «کیم یو جونگ» با حضور در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ سئول، به‌عنوان نخستین فرستاده کره‌شمالی پس از جنگ دو کره به سرزمین همسایه جنوبی بیش از گذشته شناخته شد اما به باور ناظران او در عین حمایت از برادرش، پشت پرده تمامی تصمیمات مهم کره‌شمالی از جمله ملاقات با دونالد ترامپ قرار دارد.

از سوی دیگر بسیاری از تحلیلگران معتقدند با توجه به نسبت خونی «کیم یو جونگ» با «کیم ایل سونگ»، بنیانگذار انقلاب کره‌شمالی، او مورد وثوق حامیان دولت این کشور نیز است. «بروس کلینگنر»، تحلیلگر سابق سازمان سیا بر این باور است که با نگاهی واقع‌بینانه می‌توان دریافت که باوجود موضع سخت فرهنگ مردسالاری کنفوسیوس، اما خانم «کیم» در سال‌های اخیر اختیارات زیادی در کشورش به دست آورده است.

■ **سناریوهای احتمالی**

در موضوع جانشینی «کیم جونگ اون»، فرضیه قوی، رهبری جمعی با محوریت خانم «کیم» در کره‌شمالی است. چراکه به باور ناظران پس از تجربه جانشینی شتابزده «اون» در سال ۲۰۱۱، نباید سناریوی مشابهی درباره خواهر او نیز شکل بگیرد. اما در عین حال تحلیلگران معتقدند خانم «کیم» تنها زمانی شانس جانشینی را خواهد داشت که به رهبری جمعی تن بدهد. در این شرایط «چوئه ریونگ هائه»، سیاستمدار ارشد و همپیمان قدیمی «کیم جونگ ایل» و فرمانده ارتش کره‌شمالی به احتمال فراوان معاونت او را برعهده می‌گیرد. اما در این راه، خانم «کیم» نباید «کیم پیونگ ایل»، عموی ۶۵ ساله ناتنی‌اش را که پس از ۴ سال زندگی سیاسی در اروپا، به پیونگ یانگ بازگشته، نادیده بگیرد. «تائه یونگ هو»، دیپلمات ارشد سابق کره‌شمالی معتقد است:«با وجود غیبت طولانی «کیم پیونگ ایل» اما هنوز بسیاری از مقامات ارشد با خام و بی‌تجربه خواندن «کیم یو جونگ»، عموی او را ترجیح می‌دهند.»

از طرف دیگر با وجود همه مخالفت‌ها درباره حضور یک رهبر زن در رأس کره شمالی، نام «کیم جونگ چول»، برادر بزرگ «اون»نیز مطرح شده است که البته با توجه به تمایلات او به موسیقی چندان برای کشورش گزینه قابل اعتنایی نخواهد بود. «کلینگنر»، تحلیلگر سابق سازمان سیا معتقد است: «کره‌شمالی به‌دنبال رهبری پرتنش نیست چراکه جانشین «اون» شاید بتواند جنگ قدرت را بسرعت پایان دهد اما در دراز مدت مقامات ارشد مشکلاتی را برایش ایجاد می‌کنند.» «دویئون کیم»؛ کارشناس بحران‌های بین‌المللی اندیشکده سئول، نیز معتقد است: «اگر خانم «کیم»، برنامه‌ای برای حکومتداری یا برداشتن احکام مطرود کشور نداشته باشد، گرفتار جنگ قدرت می‌شود.»